

۲۰۰۹۷۲۲

لبقنزها

رینا تلگبار

ترجمه‌ی هدا نژاد حسینی
ویرایش نیمام، اشرفی

ادامه

واحد کودک و
نوجوان، اطراف



تلگمایر، ریئا، ۱۹۷۷-م. Teigemeier, Raina.
لیخندها/ریئا تلگمایر؛ ترجمه هدا نژاد حسینیان.

تهران: نشر ادامه، ۱۳۹۷.

(۱۸۰ ص: - مصورا رنگی)

۹۷۸-۶۲۲-۹۴۸۸۰-۹-۶

فیبا

عنوان اصلی: Smile, 2010.

جوانان -- بهداشت دهان و دندان -- داستان‌ها، مجله‌ها و فکاهیات تصویری

نژاد حسینیان، هدا، ۱۳۶۵-، مترجم

۱۳۹۷ ت ۸ ج ۹ / RK۵۵

۶۱۷/۶۴۵

۵۴۹۷۲۱۶

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآورنده

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیوینی

شماره کتابشناسی ملی



واحد کد رهجو
نوجوان اطراف

ادامه

روایت مصور

لیخندها

ریئا تلگمایر

ترجمه‌ی هدا نژاد حسینیان

ویرایش نیمام، اشرفی

طراحی جلد: محمد رضا دوسک محمدي

طراحی صفحات داخلی: مریم سادات مناسوری

بازبینی نهایی متن: فاطمه ستوده

چاپ: کاج

صحافی: نمونه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۸۸۰-۹-۶

چاپ دهم: ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۶۸۰۰۰ تومان

نشر ادامه چاپ سوم

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است.

هر گونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپی، کپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی)

بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است.

نقل برش‌هایی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه‌ی تابان، پلاک ۱۱، واحد ۱

تلفن: ۲۲۹۰۲۹۷۵

edame.ir

چرا داستان‌های کوچک زندگی شما مهم هستند؟

کتاب‌های رینا تلگمبا، قصه‌های واقعی بچه‌های معمولی با زندگی‌های معمولی را تعریف می‌کنند. همان ماجراهای عادی که ممکن است در زندگی هر نوجوانی اتفاق بیفتد. پس چرا بچه‌هایی که به داستان‌های خیالی و ابرقهرمان‌ها و اتفاق‌های هیجان‌انگیز عادت کرده‌اند، داستان‌ها و تصویرسازی‌های ساده‌ی او را دوست دارند؟ بیایید در حرف‌های خودش دنبال راز جذابیت کتاب‌هایش بگردیم.

خاطرات بچه‌ها مهم است

رینا از همان کودکی قصه‌های واقعی را دوست داشت. کتاب محبوبش خاطرات نوجوانی بورلی کلیری، نویسنده‌ی مجموعه معروف رامونا، بوده. خودش می‌گوید «خواندن خاطرات واقعی کودکی کلیرلی برایم به اندازه‌ی خواندن داستان‌هایش جذاب بود. به نظر من خاطرات مهم‌اند. فکر می‌کنم خاطرات خیلی خیلی قدرتمندند». خاطرات راهنمای او برای نوشتن شدند. لبخندها را بر اساس خاطرات واقعی خودش از ماجراهای دندانپزشکی و ارتودنسی نوشت «چهارسال و نیم جراحی‌های مختلف و کلی سیم و کش و پیچ را در دهان و سرو صورت‌م تحمل کردم تا دوباره یک لبخند معمولی داشته باشم.» در کتاب خواهرها هم خاطرات قهر و آشتی‌هایش با خواهرش را تعریف می‌کند و در کتاب دلهره‌ها صادقانه و صمیمی از ترس‌ها و دلشوره‌های دوران بلوغ خودش را برایشان می‌گوید. رینا دوست دارد بچه‌ها با خواندن کتاب‌هایش بفهمند که داستان‌های معمولی زندگی‌شان خیلی مهم است.

مشکلات بچه‌ها مهم است

تلگمایر در کودکی کتاب‌هایی را دوست داشت که به او کمک می‌کردند مشکلاتش را حل کند، مثلاً کتاب‌های چگونه با همسایه‌هایتان مؤدبانه رفتار کنید یا چگونه با بزرگ‌ترها صحبت کنید. او فکر می‌کرد بچه‌ها هم مثل بزرگ‌ترها مشکلات خودشان را دارند و باید یاد بگیرند به شکلی مسائل زندگی‌شان را حل کنند. آن‌ها هم باید مثل بزرگ‌ترها بپذیرند بعضی چیزها را نمی‌شود تغییر داد و باید بتوانند با وجود آن مشکلات خوب و خوشحال زندگی کنند... تلگمایر در کتاب‌هایش داستان مشکلات خودش را تعریف می‌کند و نشان می‌دهد چطور از پس آن‌ها برآمده است. او این مشکلات را آن قدر خوب تعریف می‌کند که بعضی بچه‌ها فکر می‌کنند، همسن خودشان است «بچه‌هایی که کتاب‌هایم را می‌خوانند، وقتی می‌فهمند من سی‌چهل ساله‌ام تعجب می‌کنند. به من ایمیل می‌فرستند و خیلی‌هایشان می‌پرسند «این‌ها واقعاً برای اتفاق افتاده؟ واقعی؟» یا برایم می‌نویسند «من معمولاً کتاب دوست ندارم اما کتاب‌های شما را دوست دارم.» خیلی‌ها هم بعد از خواندن کتاب‌های من تصمیم می‌گیرند داستان‌های زندگی خودشان را بنویسند. برای من داستان‌های زیادی از رفتن به دندان‌پزشکی یا ماجراهای بکری که برایشان اتفاق افتاده می‌فرستند».

نوشتن خاطرات مهم است

رینا خاطراتش را خیلی دقیق تعریف می‌نند. لباس و مدل موی هم‌کلاسی‌ها و ظاهر اتاق و کلاس و دیوارهای مدرسه‌اش را با دقت و زیره‌ریزی کاغذ می‌آورد. رینا تلگمایر یک عادت قدیمی دارد که کمک کرده دقیق باشد و خوب - و - برش را ببیند: از یازده تا بیست و پنج سالگی تقریباً هر روز ماجراهای روزانه‌اش را در دفتر خاطراتش به شکل کمیک می‌کشیده «نه ساله بودم که کمیک‌ها را در روزنامه دیدم و خوشم آمد. اولین کمیک‌هایم را کلاس پنجم کشیدم. به ابرقهرمان‌ها هم اصلاً علاقه‌ای نداشتم. کمیک‌هایی می‌کشیدم که به زندگی خودم مربوط بودند. از نوزده سالگی هم شروع کردم به نوشتن داستان‌هایی کوتاه از زندگی روزانه‌ام، درباره‌ی نفرتم از پشه‌ها، اتفاق‌هایی که در دانشگاه می‌افتاد، مهمانی‌ای که رفته بودم، چیزی که آن روز از سوپرمارکت خریده بودم و قصه‌هایی از بچگی‌ام».

تصویر مهم است

بچه‌ها از تصویرهای ساده ولی شاد و پرنرژی کتاب‌های رینا خوش‌شان می‌آید. طراحی‌هایش ساده ولی ماهرانه است. جمله‌هایش راحت خوانده می‌شود. رنگ‌های گرم و صداها و مضمون کمیک‌ها به تصویرها انرژی می‌دهند. شهر و خیابان‌ها خیلی خوب

نقاشی شده‌اند. از همه مهم‌تر این‌که این تصویرها ناراحتی و نگرانی و لذت و شادی رینا در داستان را به خوبی نشان می‌دهد. رینا تلگمایر می‌گوید «بعضی‌ها فکر می‌کنند داستان‌های مصور ارزش ندارند. از معلم‌ها و پدرها و مادرها شنیده‌ام که وقتی بچه‌هایشان کتاب مصور می‌خوانند، فکر می‌کنند آن‌ها دارند وقت تلف می‌کنند. بعضی بزرگترها متوجه نیستند که کتاب مصور می‌تواند بسیار با ارزش باشد. برای دخترها که دیگر اوضاع بدتر است. بارها شنیده‌ام می‌گویند «دخترها که کمیک نمی‌خوانند.» هر ماه ده‌ها نامه از پدرها و مادرها، معلم‌ها و کتابدارها به من می‌رسد که فلان بچه اصلاً کتاب نمی‌خوانده اما از وقتی کتاب‌های مصور خوانده، کتاب‌های دیگر را هم با شوق می‌خواند. بله، کمیک‌ها قدرتمندند.»

لبخند مهم است

رینا در کتاب‌هایش از مشکلات، ناراحتی‌ها و ترس‌های نوجوانی‌اش حرف می‌زند ولی بلد است آن اتفاق را طوری تعریف کند که در پایان شادی را به صورت بچه‌ها بیاورد. او لبخند را فراموش نمی‌کند. «الان خیلی بهتر می‌دانم که می‌خواهم با کتاب‌هایم به بچه‌ها چه بگویم؛ این‌که همه با کمی حرف زدن و محبت می‌توانند کسانی را پیدا کنند که علاقه‌های مشترک زیادی با شما داشته باشند؛ دلم می‌خواهد به بچه‌ها بگویم اوضاع بالاخره خوب می‌شود.»

درباره‌ی نویسنده و تصویرگر

رینا تلگمایر در سان‌فرانسیسکو بزرگ شد و بعداً به نیویورک نقل مکان کرد و آنجا با مرکز تصویرسازی خود را از دانشگاه هنرهای تجسمی گرفت. او خالق اثر «لبخندها»^۱ و «خواهرها»^۲ است. کتاب لبخند ما که بر اساس خاطرات کودکی خودش نوشته شده، به عنوان پرفروش‌ترین زندگی‌نامه‌ی مصور در نیویورک تایمز برگزیده شد. از دیگر جایزه‌های این کتاب می‌توان به جایزه‌ی ویل آیزنر برای بهترین اثر نوجوانان و نشان گلوب-هورن بوستون اشاره کرد. او همچنین خالق کتاب دراما^۳ از کتاب‌های پرفروش نیویورک تایمز و یکی از ده کتاب مصور برتر نوجوانان یالسا است. رینا همچنین تصویرسازی مجموعه کتاب باشگاه پرستاران بچه^۴ را انجام داده که این مجموعه نیز در لیست برترین کتاب‌های مصور نوجوانان یالسا انتخاب شده است.



1. Smile!

2. Sisters

3. Drama

4. The Baby-sitters Club

یادداشت نویسنده

از کلاس ششم که دندان‌هایم را خرد کردم، همیشه داشتم برای همه تعریف می‌کردم که ماجرا از چه قرار بوده است. این ماجرا پر از پیچ‌وتاب‌های عجیب‌وغریب است و اکثر اوقات باید می‌گفتم «حالا صبر کن، بدتر هم می‌شه!» بالاخره به این نتیجه رسیدم که واقعاً باید همه‌اش را بنویسم. چند سالی بود که داستان‌های طنز کوتاه می‌نوشتیم ولی ماجرای دندانم به نظر گزینه‌ی خوبی برای یک داستان‌روایی طنز طولانی‌تر می‌آمد.

سال ۲۰۰۴، از من دعوت شد تا در یک وب‌سایت طنز، GirIamatic.com، مطلب بنویسم و تصمیم گرفتم که لبخندها را به عنوان طنز آنلاین هفتگی بفرستم. همزمان روی مجموعه‌ی مصور باشگاه پرستاران، یکی از انتشارات اسکولاستیک کار می‌کردم. برای همین این دو پروژه همزمان شکل گرفتند. تا زمانی که چهارمین کتاب از مجموعه‌ی باشگاه پرستاران بچه را تمام کردم، صد و بیست صفحه از کتاب لبخندها را کشیده، مرتب کرده و روی سایت گذاشته بودم!

تازه وقتی داستان را می‌نوشتیم و می‌کشیم، نمانسم خاطراتم را مرور کنم و به بعضی از تجربه‌های تلخ‌ترم بخندم. ماجراهایی که با دندانم داشتم، اصلاً خوشایند نبودند ولی زنده ماندنم تا ماجرا را تعریف کنم و بعد از آن آدم قوی‌تری شدم. زمانی که از خواننده‌های لبخندها بازخورد گرفتم، باورم نمی‌شد که این همه آدم داستان‌های دندان‌پزشکی مشابه من داشتند! فرایند نوشتن کتاب لبخندها برای من درمانگر بود و باعث شد با بسیاری از اقوام ارتباط برقرار کنم. از این بابت خیلی خوشحالم.

با این‌که الان لبخندم عادی است، اصلاً بعید نیست که در آینده هم ماجراهای دندان‌پزشکی دیگری داشته باشم. راستش من از دندان‌پزشک‌ها و کار دندان‌پزشکی نمی‌ترسم. من به دندان‌پزشکی و تأثیر مثبتی که می‌تواند در زندگی آدم‌ها داشته باشد ایمان دارم. اگر بخوام نیمه‌ی پر لیوان را ببینم باید بگویم که به جز همه‌ی کارهایی که روی دندان‌های جلویی‌ام انجام دادم، از سن شش سالگی به بعد هیچ پوسیدگی‌ای نداشتم!

از این‌که کتابم را می‌خوانید بسیار ممنونم.

رینا

